

ویژگی شخصیتی و ذهنیت طرحواره‌ای با
پرخاشگری مردان همسر آزار

مؤلف:

فاطمه میرزایی

سرشناسه	: میرزایی، فاطمه، ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور	: ویژگی شخصیتی و ذهنیت طرحواره‌های با پرخاشگری مردان همسر آزار/مولف فاطمه میرزایی.
مشخصات نشر	: تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۷۱ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۷-۳۳۳-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیها
موضوع	: خشونت در خانواده Family violence
موضوع	: همسر آزاری مردان Wife abuse
موضوع	: فشار روانی - کنترل Stress management
رده بندی کنگره	: ۶۴۳۶HV
رده بندی دیویی	: ۸۲۹۳۰۹۲۲/۳۶۲
شماره تابه‌شناسی ملی	: ۵۷۲۷۰۹۳



ویژگی شخصیتی و ذهنیت طرحواره‌ای با پرخاشگری مردان همسر آزار

تألیف: فاطمه میرزایی

ناشر: منشور سمیر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول- ۹۸ / قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۷-۳۳۳-۴

www. Manshoorsamir

حق چاپ: ۱۳۹۸، انتشارات منشور سمیر

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۹	مقدمه
۱۴	طرفداران منشاء اجتماعی پرخاشگری
۱۶	فرضیه ناکامی - پرخاشگرانه
۱۷	عوامل خانوادگی پرخاشگری
۱۹	عوامل محیطی (اجتماعی - فرهنگی)
۲۰	زیان‌های پرخاشگری
۲۲	تکنیک‌هایی لازم برای استفاده از پرخاشگری در محیط خانواده
۲۳	ذهنیت طرحواره
۲۵	تعریف طرحواره‌های ناسازگار
۲۷	ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها
۳۰	انواع طرحواره‌های ناسازگار اولیه
۳۰	حوزه اول: بریدگی و طرد
۳۲	حوزه دوم: خودگردانی و عملکرد مختل
۳۴	حوزه سوم: محدودیت‌های مختل
۳۶	حوزه چهارم: دیگر جهت مندی
۳۸	حوزه پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری
۴۱	حوزه طرحواره‌ها و انواع آن
۴۱	حوزه اول: بریدگی و طرد
۴۱	۱- رهاشدگی/بی‌ثباتی
۴۲	۲- بی‌اعتمادی/بدرفتاری

- ۴۲- ۳- محرومیت هیجانی
- ۴۳- ۴- نقص / شرم
- ۴۳- ۵- انزوای اجتماعی / بیگانگی
- ۴۳- حوزه دوم: خودگردانی و عملکرد مختل
- ۴۴- ۶- وابستگی / بی کفایتی
- ۴۴- ۷- آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری
- ۴۵- ۸- تحول نیافته / گرفتار
- ۴۵- ۹- شکست
- ۴۶- حوزه سوم: مسئولیت های مختل
- ۴۶- ۱۰- استحقاق بر روی مش
- ۴۷- خویشتن - داری و بخش - انتسابی ناکافی
- ۴۸- حوزه چهارم: دیگر جهت مندی
- ۴۸- ۱۲- اطاعت
- ۴۸- ۱۳- ایثار
- ۴۹- ۱۴- پذیرش جویی / جلب توجه
- ۵۰- حوزه پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازدار
- ۵۰- ۱۵- منفی گرایی / بدبینی
- ۵۱- ۱۶- بازداری هیجانی
- ۵۲- ۱۷- معیارهای سرسختانه / عیب جویی افراطی
- ۵۲- ۱۸- تنبیه
- ۵۳- شخصیت
- ۵۵- نظریه ویژگی های شخصیت

۵۶	سه بعد شخصیت آیزنک
۵۶	(۱) برون گرا
۵۷	(۲) درون گرا
۵۷	(۳) تهییج پذیری / پایداری هیجانی
۵۷	(۴) روان پریشی گرایی
۵۸	عامل شخصیت تیموند کاتل
۵۸	نظریه پنج عامل شخصیت
۵۹	رویکرد صفات
۶۲	رویکرد یادگیری آب ماع
۶۷	رویکرد پدیدار شناختی / نظریه انسان گرا
۷۰	منابع

مفهوم شخصیت، ای سال‌ها در بین محققان مورد چالش واقع شده و تعریف‌های متعددی درباره آن ارائه شده است. اگر چه همه نظریه پردازان شخصیت با یک تعریف واحد از آن موافق نیستند؛ اما یک نگاه کلی، شخصیت عبارت است از الگوهای نسبتاً پایدار صفات، نشانه‌ها یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد، دوام می‌بخشند. به طور اختصاصی‌تر، شخصیت، از صفات یا گرایش‌هایی تشکیل می‌شود که به تفاوت‌هایی فردی در رفتار، ثبات، رفتار در طول زمان و تداوم رفتار در موقعیت‌های گوناگون می‌انجامد (شولتز، ۲۰۰۵). در دهه‌های اخیر نقش ویژگی‌های شخصیتی در موقعیت‌های بین فردی به ویژه روابط احساسی و صمیمانه زوجی بسیار مورد توجه بوده است. تحقیقات نشان داده است که ویژگی‌های شخصیتی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر تشکیل و حفظ ارتباط صمیمی است (باردلس^۲، ۲۰۰۵).

¹ Schultz

² Bardels

همسر آزاری موضوع تازه‌ای نیست بلکه در تمام دنیا وجود دارد (لیچ، ۲۰۰۰). و زنان همواره قربانی اصلی آن هستند. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی^۱ در سال ۲۰۱۰، میزان شیوع خشونت خانگی در چندین کشور، از ۱۳ تا ۷۱ درصد متغیر بوده است و از هر ۳ زن یک زن مورد خشونت واقع می‌شود (ستوده و زینالی، ۲۰۱۲). همسر آزاری به عنوان یکی از انواع خشونت‌های خانگی، شامل هرگونه رفتاری است که به صورت عملی، توسط همسر نسبت به زن صورت می‌گیرد. این نوع خشونت، در برگیرنده بد رفتاری‌های جسمانی، عاطفی و جنسی می‌باشد که به منظور اعمال سلطه، اقتدار و تحکیم قدرت خود، نسبت به زن و دیگر اعضاء خانواده به کار می‌رود (آندرسون و لی، ۲۰۱۰). همسر آزاری می‌تواند زندگی، زوجین، از زوایای مختلف تحت تأثیر قرار دهد، از جمله می‌تواند موجب کاهش اعتماد به نفس پایین، اضطراب زیاد، اختلال تغذیه، اختلال استرس پس از زن، در نتیجه اختلال در روابط بین فردی، عزت نفس آسیب و عملکرد جنسی شود (بنی روندی، ۲۰۱۳). آلن و همکاران^۳ (۲۰۰۹) بیان کردند که از عمده‌ترین آسیب‌های روانی وابسته به خشونت علیه زنان می‌توان به استرس، احساس درماندگی، تشویش و اضطراب اشاره کرد. یانگ (۱۹۹۹) از اصطلاح طرحواره‌ها برای انعکاس تأثیر ارتباطی افراد در دوران کودکی استفاده کرد. او این فرض را مطرح کرد که روابط صمیمانه، استقلال، ارزشمندی، انتظارات معقول و واقع بینی نسبت به محدودیت‌ها، پنج هدف اولیه‌ای هستند که کودکان برای دستیابی به خرسندی و رشد سالم به آن‌ها نیاز دارند.

¹ The World Health Organization

² Anderson & Leigh

³ Allen & Swan & Raghavan

زمانی که مراقبین کودک مشکلاتی در تحقق هر یک از اهداف ایجاد می‌کنند، زمینه شکل‌گیری طرحواره‌ها را فراهم نموده‌اند (وانگ، هارسون، ایسمان، واترلو، ۲۰۱۰).

طرحواره‌ها باعث می‌شوند که انسان حقیقت را آن‌گونه که هستند نبینید براساس مدل طرحواره آموزشی انسان سالم کسی است که نیازهای روانشناختی پنج گانه او به جا و به موقع پاسخ داده شده باشد. این نیازهای روانشناختی انسان عبارتند از:

۱. دل‌بستگی (این به دیگران (شامل امنیت، ثبات)
 ۲. استقلال، کارآمدی و حس هویت
 ۳. بیان آزادانه نیازها و ایجاد بی‌پذیرفتنی
 ۴. خودانگیختگی و تفریح
 ۵. محدودیت‌های واقع‌گرایانه خود (خودکنترلی)
- طرحواره‌ها، چارچوب یا الگوهای پردازش اطلاعات هستند که چگونگی مفهوم‌سازی یک شخص را از مجموعه‌ای از مشاهدات نشان می‌دهند و در واقع مفاهیمی فراگیر هستند که هیجانات، خرافات و شناخت‌ها را دربر می‌گیرند. طرحواره‌ها در طول دروان کودکی و نوجوانی شکل گرفته و در سراسر زندگی فرد گسترش می‌یابند (حمیدپورف ۱۳۸۸). تمرکز اصلی مدل طرحواره‌ای بر سازه‌های صفت مانند مثل طرحواره‌ها و سبک‌های سبک‌های است و مد نظر قرار ندادن تغییر حالت افراد در آن از معایبی که پرداختن به مفهوم ذهنیت طرحواره‌ای که به صورت طرحواره‌ها یا عملکردهای

سازگاران و ناسازگاران که در حال حاضر در سیستم پردازش اطلاعات فرد فعال شده‌اند، تعریف میشوند، مطرح می‌گردد. در حال حاضر ده ذهنیت طرحواره‌ای مشخص شده است که به چهار گروه اصلی؛ ذهنیت‌های کودکانه، ذهنیت‌های مقابله ناکارآمد، ذهنیت‌های والد ناکارآمد و ذهنیت بزرگسال سالم تقسیم می‌شوند (صاحبی و حمید پور، ۱۳۸۶). بسیاری از پژوهشگران بر نقش طرحواره‌ها به عنوان باورهای منفی عمیق در ایجاد شکل‌گیری اختلالات روانی متعدد تأکید می‌کنند و بسیاری معتقدند که طرحواره‌ها توانایی پیش‌بینی نشانه‌های سلامت عمومی را در افراد دارند (لینتون^۱، ۲۰۱۰؛ نقل از داوود آبادی، ۱۳۹۳). یانگ و گلووسکی^۲ (۲۰۱۰) در رابطه با ارتباطی که ممکن است طرحواره‌ها با زندگی زناشویی زوجین داشته باشد، معتقد بودند که در جریان زندگی زناشویی طرحواره‌هایی ایجاد شوند که اگر این زیاده‌ها طرحواره‌ای ایجاد شده برآورده نشوند و یا با طرحواره اولیه ناهماهنگ باشد، موجبات شروع ناسازگاری و پرخاشگری را فراهم می‌کنند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹).

زندگی زناشویی، ترکیبی از زن و مرد است و با مسئله تعامل و رابطه بین همسری شکل می‌گیرد. آن‌جا که انسان تنها زندگی می‌کند، تعامل بین فردی معنا پیدا نمی‌کند. تعامل بین فردی در جایی که انسان با دیگران برقرار باشد و زندگی مشترک داشته باشد، به وجود می‌آید. همه مسائل همسران در چارچوب تعامل معنا می‌یابد و همه راه‌های مودت به عواطف مثبت برمی‌گردد. پس باید رابطه و تعاملی را طراحی نمود تا عواطف مثبت را برانگیزد و مودت و صمیمیت میان

¹ Linton

² Yang and Glavsky

همسران را به وجود آورد. اینجاست که مسئله سبک همسرمداری رخ می‌نماید. چگونگی تعامل همسران با یکدیگر نقش مهمی در تحقق مودت و رحمت و در نتیجه، در موفقیت زندگی و رضایت زناشویی دارد.

به نظر می‌رسد پایداری و کامیابی خانواده پس از تشکیل، متوقف بر برخورداری همسران از یکسری عناصر اخلاقی (انعطاف‌پذیری، خوش‌رویی، صبر و بردباری، عذرپذیری و...) است. این عناصر اخلاقی، موجب توانمند شدن همسران در مواجهه با راقعیت‌های مختلف زندگی است. فقدان این توانمندی‌ها موجب ناتوانی همسران در واکنش مناسب به مسائل گوناگون زندگی است و همین امر می‌تواند زمینه‌های بروز استرس، و گسترش ناسازگاری و نارضایتی را فراهم آورد و در نتیجه، آسیب‌های دیگری همچون پرخاشگری، خیانت، طلاق، خودکشی و یا اعتیاد و مانند آن را به وجود آورد (پسندیده، ۱۳۹۰).

به اعتقاد باردلس (۲۰۰۵) در سه‌های اخیر نقش ویژگی‌های شخصیتی در موقعیت‌های بین فردی بسیار مورد توجه بوده است. اما زمانی که شواهد تجربی را در این زمینه واکاوی می‌نمایم متوجه می‌شویم که پژوهش منسجم و علمی که به بررسی ارتباط آن با ثبات و پایداری پرداخته باشد، انجام نگرفته است. و از آنجای که ویژگی‌های شخصیتی احتمالاً جزء مؤلفه‌های تعامل سازنده و مثبت می‌باشند این مهم ایجاب می‌کند که در این زمینه پژوهش‌های بیشتری انجام شود.

بر اساس آنچه که ذکر شد توجه به مسئله همسر آزاری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و طرحواره‌های ذهنی امر ضروری است. و سوال اصلی که در این کتاب به دنبال آن هستیم این است که آیا ویژگی‌های شخصیتی و ذهنیت طرح‌واره‌ای با پرخاشگری مردان همسر آزار شهر تهران

رابطه معناداری دارد؟

گروهی از صاحب‌نظران علوم رفتاری نظیر فروید^۱ و لورنز^۲ معتقدند که پرخاشگری یک رفتاری است که ریشه در ذات و فطرت انسان دارد. این دو معتقدند که پرخاشگری به عنوان یک نیروی نهفته در انسان دارای حالت هیدرولیکی است که به تدریج در شخص متراکم و فشرده می‌شود و سرانجام نیاز به تخلیه پیدا می‌کند. به نظر لورنز اگر چنین انرژی به شکل مطلوب و صحیح مثلاً در طن و ورزش‌ها و بازی‌ها تخلیه شود جنبه سازندگی خواهد داشت. در غیر اینصورت به گرنه، تخلیه می‌شود که مخرب خواهد بود و ممکن است اعمالی از قبیل قتل، ضرب و شتم، تخریب و نظایر آن را در برداشته باشد. از نظر فروید پرخاشگری در اساس نماینده غریزه مرگ است که در مقابل غریزه زندگی در فعالیت است، یعنی پتانسیل غریزه زندگی ما را در جهت ارضای نیازها و حفظ هدایت میکند غریزه مرگ به صورت پرخاشگری می‌کوشد به نابود کردن و تخریب کردن پردازد این غریزه - بجه بتواند دیگران را نابود می‌کند و از بین میرد و اگر نتواند دیگران را هدف پرخاشگری و تخریب خود قرار دهد به جانب خود متوجه شده و به صورت خودآزاری و خودکشی جلوه گر می‌شود، بنابراین از نظر وی پرخاشگری حالتی مخرب و منفی دارد. (کبری، ۱۳۸۱).

طرفداران منشاء اجتماعی پرخاشگری

عده‌ای دیگر در مقابل ذاتی بودن پرخاشگری اعتقاد دارند که فکر ذاتی بودن پرخاشگری برای انسان خطرناک و مخرب است زیرا داشتن چنین فکری سبب می‌شود که پرخاشگری مانند میل به غذا یک واکنش اجتناب‌ناپذیر تلقی شود بنابراین انسان در کنترل یا کاهش آن نمی‌تواند نقش داشته باشد همچنین این

گروه دلائل فراوانی را مبتنی بر اینکه پرخاشگری منشاء غریزی و ذاتی نمی‌تواند داشته باشد ارائه داده‌اند به همین دلیل از نظر اجتماعی هم قابل آموزش است هم قابل پیشگیری و کنترل این گروه دلائل خود را در این باره این‌طور برمی‌شمرند:

- ۱: دشمنی ذاتی بین حیوانات وجود ندارد و آنچه ما در این مورد می‌بینیم آموزش‌هایی است که والدین این حیوانات به آن‌ها داده‌اند. ۲: وجود کروموزوم اضافی را نمی‌تواند دلیلی بر ذاتی بودن پرخاشگری دانست، کروموزوم اضافی سبب افزایش و درستی اندام می‌شود ولی چه بسا وجود اندام قوی و قد بلند از نظر اجتماعی خود یک امتیاز است و این‌گونه افراد را به عنوان مأمون، آدم‌کش که حالت‌های پرخاشگری به ندرت وجود می‌آورند باشند حال میتوان عده‌ای از پرخاشگران را یافت که فاقد کروموزوم اضافی نیز هستند. ۳: تحریک الکتریکی هیپوتالاموس در مورد حیوان وقتی موجب رفتار پرخاشگرانه می‌شود که او در برابر حیوان ضعیف‌تر از خود قرار گرفته باشد اگر حیوان در مقابل او قوی‌تر از وی باشد واکنش او فرار و ترس است نه پرخاشگری در انسان نیز حالت هیجانی عصبانیت و پرخاشگری بر طبق نظریه تحریکی - پاسخ ناشی از شناخت فرد از کلمات و مفاهیم به عنوان ابزار عصبانی کننده و توهین آمیز استفاده کرد به همین دلیل ممکن است از دو فرد یکی در برابر شنیدن کلمه‌ای عصبانی نشود و دیگری در برابر شنیدن همان کلمه عصبانی شود حال آنکه اگر پرخاشگری ذاتی بود بایستی هر دو نفر عصبانی می‌شدند. گذشته از دو گروه اصلی مطرح شده، گروهی معتقدند که رفتار پرخاشگری ریشه در عدم فرصت یادگیری دارد، یعنی کودک به علت اینکه فرصت یادگیری نداشته و یک موجود ناپخته است، نمی‌داند که نسبت به یک محرک چگونه عمل کند لذا ممکن است به صورت پرخاشگری از خود واکنش نشان دهد. لذا این کودک باستی به مرور یادبگیرد تا

چگونه پاسخ محرکات را به صورت مناسب دهد. (نوابی نژاد سال ۷۳ ص ۴۲ و ۴۳). گاهی رفتارهای پرخاشگرانه ناشی از یک احساس ناامنی است که در حقیقت این رفتار یک پاسخ دفاعی به وضعیت ناامنی است که در آن قرار گرفته است. یک کودک با ابزار دفاعی که یک حرکت پرخاشگرانه است از خود دفاع می کند تا وضعیت ناامن را از بین ببرد. (نوابی نژاد سال ۷۳ ص ۴۸)

فرضیه ناکامی - پرخاشگرانه

گرچه پاسخ افراد نسبت به ناکامی بسیار متفاوت است زیرا عوامل ناکام کننده و شخصیت فرد ناکام سونده دامنه بسیار گسترده ای دارند در مجموع می توان گفت که پاسخ ناکامی به شکست یعنی رفتار دشمنانه و تند به هنگام عدم سازگاری با موفقیت در این رفتار در زندگی و زمره ارتباط بسیار نزدیک با ناکامی دارد مثلاً کودکی که از بازی کردن منع می شود در اثر خشم اخم می کند یا پاهای خود را بر زمین می کوبد. چیزی که ثابت شده است این است که ناکامی پرخاشگری را افزایش می دهد پرخاشگری می تواند ناکامی مان فشرده را رها سازد و نوعی تسکین موقتی برای فرد مزاحم آورد اما پایان آن معمولاً رضایت بخش نیست به هنگام مواجه شدن با ناکامی باید آنرا به صورت یک مثال خارج کرد و به دنبال آن راه چاره افتاد. پرخاشگری ممکن است مستقیماً خود را هدف قرار دهد. (فرقان رئیسی، ۱۳۷۶) جان والر و همکارانش فرضیه پرخاشگری در کلمه پاسخ به ناکامی را ارائه نمودند که در آن پرخاشگری همیشه در پی ناکامی خواهد بود (والر دوب-مورد سیرز^۱ ۱۹۹۹)، این افراد مانند فروید پرخاشگری را

^۱ Waller Double-Sears Case

در حکم عامل تصفیه می دانستند پیداست که فرضیه ناکامی - پر خاشگری ها می توانند واکنشی در برابر ناکامی باشد اما عوامل دیگری نیز می تواند در پر خاشگر بودن یا نبودن یک کودک موثر باشد افزون بر آن ناکامی یا سایر تحریک های عاطفی همیشه موجب پر خاشگری نمی شود (ریتا ولکسی نلسون^{۱۱}، ۱۳۶۹)

عوامل خانوادگی پر خاشگری

عوامل خانوادگی به عنوان یک سری از عوامل محیطی در بررسی عوامل تربیتی افراد موثر می باشند، چنانچه - انواده به عنوان اولین محیط اجتماعی زندگی افراد بسیار حائز اهمیت می باشد و نیلی، از چیزها را افراد در سال های اولیه حیات اجتماعی خود در آن می آموزند خانواد می تواند از جهات مختلف موجب بروز یا تشدید پر خاشگری شود که مهم ترین این عوامل عبارتند از: (۱) نحوه برخورد والدین با نیازهای کودک: معمولاً کودکی که وسایل و اسباب بازی مورد علاقه خود را در دست دیگری می بیند برانگیخته می شود و در صدد گرفتن آن حتی با اعمال خشونت می شود. تجربه نشانگر آن است که چنانچه در کودکی همیشه توقعات و انتظارات فرد برآورده شده باشد او بیشتر از کسانی که این توقعات و انتظاراتشان برآورده نشده است خشمگین و پر خاشگر می شود. (۲) برد الگوهای نامناسب، داشتن الگوی مناسب در زندگی یکی از نیازهای انسان است زیرا انسان ها علاقه مند هستند که رفتار و کردار خود را مطابق با کسی که مورد علاقه خودشان است انجام دهند و چنین کسانی را راهنما و الگوی زندگی خود قرار

¹¹ Rita Volksie Nelson

دهند بررسی های انجام شده نشان می دهد که بیشتر کودکان پر خاشگر والدین خشن و متخاصمی داشته اند یعنی نه تنها کودک آن ها از محبت لازم برخوردار نبود از الگوی پر خاشگری موجود در خانواده نیز تاثیر پذیرفته بود. دیکتاتوری خانواده هایی که تابع اصول دیکتاتوری هستند معمولاً رشد فرزندانشان را محدود می کند در این نوع از خانواده یک نفر حاکم بر اعمال و رفتار دیگران است که غالباً پدر چنین نقشی را دارد اما گاهی اوقات مادر، خواهران و برادران بزرگتر نیز دیکتاتوری رفتار می کنند در این گونه خانواده ها فرد دیکتاتور تصمیم می گیرد، هدف تعیین می کند، راه نشان می دهد، وظیفه معلوم می کند، برنامه می ریزد و همه باید به صورت مطلق مطابق میل او رفتار کند و حق اظهار نظر از آن اوست. بچه هایی که در محیط دیکتاتوری پرورش پیدا می کنند ظاهراً حالت تسلیم و اطاعت در رفتارشان مشاهده می شود و همین حالت آن ها را به هیجان و اضطراب و می دارد. این بچه ها در مقابل دیگران حالت دشمنی و خصومت به خود می گیرند و به بچه های هم سن و سال خود یا کمتر از خود صدمه می رسانند این افراد از تعصب خاصی نیز برخوردارند و از به سر بردن دیگران عاجز هستند، در کارهای گروهی نمی توانند شرکت کنند و از اعتماد به نفس ضعیفی برخوردارند و در امور زندگی شان بی لیاقتی خود را نشان می دهند و اغلب در کارها با شکست روبرو می شوند. (۳) تاثیر رفتار پر خاشگرانه: عده ای از افراد پر خاشگر زورگویی را تقیح نمی کنند بلکه آن را نشانه شهامت و قدرت خود می دانند این افراد اعمال پر خاشگرانه خود و دیگران را مثبت موجه و حتی لازم می دانند و به آن صحنه می گذارند. (۴) تشویق رفتار پر خاشگرانه: در مواقعی که رفتار پر خاشگرانه توسط والدین و دیگر افراد سبب تقویت مثبت و تثبیت این رفتار می شود. گاه با والدین یا مربیانی روبرو می شویم که به بهانه آموزش دفاع از خود به کودک می گویند